

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

افغان عامی

۰۹ سپتمبر ۲۰۱۲

افغانستان یا «مکه» شهزاده انگلیس برای کفاره گناهانش!



ملتی که در قرن نهم و آغاز و انجام قرن بیستم به آزادی، شهامت و قهرمانی های ضد استعماری خود شهرة آفاق بود، هیئات چنان زبون و بیچاره شده است که دشمن متکبر و استعمارگر خزیده در هند را که نیاکان شان با آفریدن حماسه ها از در بیرون انداختند، امروز به کمک خاینان و جانپان کف و کالدار همدست چین پوشان و لنگی پوشان مزور و جاکش، از دریچه به داخل کشور شیر مردان و شیر زنان دوباره راه یافته و هر آنچه دلش می خواهد انجام می دهد. هستند عده ای کودن و یا هم جاده صاف کن استعمار که شرایط غمبار امروزی را هم مرادف با همان دوره پرافتخار و انمود کرده و دم از «آزادی» و ... «دموکراسی» (تفویبه چنین آزادی دروغین و دموکراسی رسوا!) زده و ... در «سایه درخت» آرام می لمند...

تراژیدی ملت ما به آن حدی وخامت پیدا نموده است که اشغالگران، علاوه بر تجاوز بر خاک آبائی ما، قصد اشغال دائمی آن، توهین، تحقیر و کشتار بیرحمانه هموطنان مظلوم ما، چور و چپاول دارائی های ملی و ذخائر زیرزمینی سرزمین ما، حال تا آن حدی پررو شده اند که حرامزادگان فسادپیشه خود را هم برای سرزنش و تنبیه، به سرزمین مقدس ما می فرستند تا لوٹ اقتضاح و بدنامی خود را با کشتار بیرحمانه چند افغان بی دفاع، با ادعای خود ساخته «طالب» و «القاعده»، پاک نموده روی و آبرویی به زعم خود برای آن زادگان فساد، تدارک نمایند و با چسباندن چند

مدال به سینه‌شان ، به آن فضله های بشریت - که طفیلی بودن اشرافی شان به خصوص در شرایط حاضر بیکاری و بحران خشم و غضب می آفریند - لقب «قهرمان جنگ ضد تروریسم» بدهند.

در کشور های اسلامی چون افغانستان ، به اعتقاد مسلمانان عنعنه ئی وساده دل ، اکثرأ ثروتمندان و متمولین که بخش عمده شان را منافقین و اراذل تشکیل می دهد ، برای گویا کفاره گناهان خود ، به مکه می روند... و چه بسا که با «سند معافیت گناه» برای بیشتر افتادن به جان و مال مردم ، به کشورهای شان بازمی گردند وزیر نام «حاجی» دماز روزگار هموطنان خود درمی آورند. حال باداران آل سعود ، از افغانستان - این سرزمین دلاوران - «مکه» استعمارگران و چوچه های شان ساخته اند ، تا با ریختن خون بیگناهان افغان ، «غسل طهارت» بگیرند!

چوچه سگ مشهور که به این دلیل به سرزمین شیران برای بار دوم فرستاده می شود ، «پرنس هری» پسر دوم شهزاده چارلز و ولیعهد برتانیه می باشد ، که به اساس ردیف انتظار برای احراز تاج و تخت انگلیس ، سوم شناخته می شود. فقط حدود دو هفته پیش ، مطبوعات سراسر جهان با قیل و قال فراوان ، آخرین اقتضاح این زاده فساد را از انترنیت و اخبار گرفته تا رادیو و تلویزیون انعکاس دادند. درختم همان هفته ، پرنس هری با دوستان هم سرشت خود در یکی از هتل های لاس ویگاس در امریکا به شراب نوشی مفرط ، استفاده از مواد مخدر و انجام عمل جنسی در وضعیت های حیوانی متوسل شده بود. و از آنجائی که هر اقتضاح نازپروردگان طفیلی برای مصاحبان شان می تواند ثروت به بار آورد ، یکی از همان دوستان هم پیکش تصاویر برهنه وی با معشوقه هایش را توسط تلیفون موبایل برداشته و در مقابل پول به مطبوعات فروخت. گرچه دربار انگلیس خیلی تلاش نمود تا اقتضاح را سرپوش گذارد ولی در عصر انترنیت - بلاگ - تویترو... ممکن نیست تزویر «پاک منشی» خاندان ویندسر (وارثین ادا و تمکین عصر ویکتوریائی) دیگر از پرده بیرون نیفتد. بعد از... برای محکم نشستن روی زمین ، پرنس چارلز پدر پرنس هری ، به اساس گزارش مطبوعات ، مبلغ چهار میلیون پوند به گماشتگان استخباراتی برتانیا سپرد تا به امریکا رفته دخترانی را که در آن شب با پرنس هری عیاشی نموده و همخوابه شده بودند ، حق السکوت دهند و نگذارند که تصاویر بیشتر و یا جزئیات اقتضاح آن شب ، باز هم به خورد مطبوعات داده شود.

البته این بار اول نیست که حرامزاده ویندسرگلی را به آب می دهد. چند سال پیش ، در عین شرایط می خوارگی ، وی لباس افسرنازی به تن نموده و به رسم هتلر ، بازوی خود را کشیده گرفته سلام نازی ها را به جا می آورد. در این جای شک نیست که تبعیض و نژادپرستی جزء سرشت طبقاتی اشرافیت است ، در هر کشوری که باشد ، و هیچ معجزه ای هم نمی تواند این معادله را به هم بزند؛ چنانکه پدرکلان پدری پرنس هری (پرنس فلیپ که امروزه دو ساله است) ، پسرش چارلز و خود پرنس هری ، بارها با وقاحت کلمات زننده نژادپرستی را به زیردستان خود خطاب نموده اند. پرنس فلیپ حتما آشکارا افکار فاشیستی خود را بیان می کرد. ولی از آنجائی که اقتضاح نازپروردگان طفیلی به زودی ماستمالی می شود ، حتا در انترنیت هم نمی توان به آسانی اسناد و مدارک سابق (که دقیقاً و هدفمند برداشته شده اند) را دوباره یافت.

یک نکته قابل یادآوری است و آن این که ، پرنس هری هیچ عمل زننده ای که در حلقهات اشرافیت - این طفیلی های تاریخ زده و بی مفهوم بشریت - تازگی داشته باشد انجام نداده است. او فقط موجب شده که از «رخنه دیوار» ، مردم دنیا نظاره کنند که در پس پرده ریای «پیوریتانیزم» و «فرشته نمائی» اشراف ها ، در واقعیت امر چه زندگی حیوانی جریان دارد. این نه تازکی دارد و نه هم تعجب. از قرن ها به این طرف ، دربار های سلاطین محل عیاشی های کاملاً حیوانی بوده و هرگز استثناً نداشته و نه هم مسلمان و کافر می شناخته است. چه بسا که فرمانروایان برای ارضای خواهشات نفسانی خود ، سرنوشت خلق ها را به بازی گرفته و جوی های خون جاری ساخته اند ، به ناموس مردم



تجاوز نموده اند و غیره و غیره... داستان های شهوت رانی حیوانی امیرحبيب الله و نادرپسرزاهرشاه که در آن ماجرا یک چشم خود را از دست داده بود... دونمونه ازکشورخودماست. پس این پرده ریا و تزویردربارانگلیس است که دریده شده است نه واقعاً آبروی نداشته آنها... و برای اعاده آن ، بایست خون افغان های شجاع ریختانه شود که البته این جنایت را پرنس هری قبلاً انجام داده است و به ریختن خون هموطنان ما افتخار می کند. مراجعه شود به شهادت یک خبرنگارشاهد صحنه در لنک انترنیت درپائین:

<http://www.telegraph.co.uk/news/uknews/theroyalfamily/9070895/Prince-Harry-in-Afghanistan-I-watched-Harrys-first-kill.html>

این که چرا فوراً بعد از افتضاح لاس و یگاس ، پرنس هری به افغانستان برای باردوم به خدمت زیر بیرق فرستاده شد و به خصوص که اینبارخلاف مخفی کاری های شدید سفر اول وی ، از رسیدنش به روزجمعه گذشته به ولایت هلمند خبر داده شد ، خود قابل تأمل است. مطبوعات به دنبال عیاشی های شهزاده هری در امریکا ، از خشم بیحد

مادرکلانش ملکه الیزبت یادآور شد. همگان به یاد دارند که مرگ مادرپرنس هری - درست به دلیل «آزادی» های خلاف تعاملات دربار - بیشتر به یک توطئه شباهت داشت تا به یک تصادف... آیا دربار انگلیس اینک با فرد دیگری از میان شان که تصویر مردم فریب «پاکیزگی اشرافیت» آنها را شدیداً و به شکل بی سابقه ای مکرر ساخته است ، تصفیۀ حساب خواهد نمود؟ زمان به آن پاسخ خواهد داد ولی دلیل پا گذاشتن شهزاده ای از دشمنان تاریخی و سوگند خورده ملت ما به خاک افغانستان و ملوث ساختن این خطه به هدف کشتار بیگناهان و انتقام جوئی نظامی برای «جبران» شکست های تاریخی شان در این سرزمین ، برای هیچ افغان اصیل ، باوجدان و وطنپرست نمی تواند قابل پذیرش باشد؛ و درضمن ثبوت این حقیقت تلخ است که ملت افغان فاقد حاکمیت ملی بوده و هر رهزده ای از قماش استعمارگرو تجاوزگر که خواست ، می تواند با راحتی خاطر و با تکیه به مدرن ترین سلاح کشنده به آنجا رفته و برگردد.

وقت آنست که فرزندان صدیق و دلسوز این مرزوبوم به خود آمده حماسه های میوند را تکرار نمایند!

هشت سپتمبر دو هزار و دوازده

